

## تاریخ فقه و فقها

\* مؤلف: ابوالقاسم گرگی

\* ناشر: سمت

\* سال نشر: ۱۳۷۵

\* نوبت چاپ: اول

\* محل نشر: تهران

فقه اسلامی از ابتدای پایه‌گذاری در عصر رسول اکرم (ص) و نزول نخستین آیات الهی بر آن حضرت، همواره در تحول و تطوّر بوده است. این نظام حقوقی جامع و کامل، پس از آنکه در روزگار پیغمبر (ص) نخستین مراحل تشریح را پشت سر گذاشت و در پی اختلاف مسلمانان در خصوص جانشینی آن حضرت و انشعاب امت اسلامی به دو شاخه عمده در دو مکتب فقهی اهل بیت (ع) و اهل سنت به حیات خود ادامه داد. هر یک از این مکاتب به تدریج بر پایه دیدگاه‌های اصولی و کلامی خویش، به‌ویژه بر مبنای عقیده امامت و خلافت، به تدوین منابع، ادله و چگونگی استنباط احکام شرعی همت گماشتند. در میان علوم اسلامی، بنا به دلایلی از جمله جنبه عملی و کاربردی فقه در حوزه‌های فردی و اجتماعی، به‌خصوص حاکمیت و مدیریت کلان جامعه اسلامی، این دانش اصیل اسلامی بیش از هر عملی مورد توجه اندیشمندان بوده و بالتبع در حال تحول و تطوّر بوده و می‌باشد. با قاطعیت می‌توان ادعا کرد که شمار عالمانی که به عنوان فقیه و مجتهد در جهان اسلام مشهور شده‌اند و صاحب کتاب یا مکتب فقهی بوده‌اند، بیش از همه دانشمندانی است که در سایر حوزه‌های علوم اسلامی درخشیده و به جامعه و مکتب بهره‌رسانده‌اند.

بررسی تحولات فقه اسلامی در دو شاخه اهل سنت (با چهار مکتب فقهی مشهور و رسمی، و شماری فقه‌های صاحب مکتب بدون شهرت) و فقه اهل بیت (ع) با پویایی مداوم و باز بودن درهای اجتهاد آن بر روی اندیشمندان صاحب فکر و نظر، و در کنار آن دو فقه تحولات فقهی در حوزه سایر فرقه‌های اسلامی از جمله فقه خوارج و برخی زیر شاخه‌های شیعه چون زیدیه و اسماعیلیه و نیز شناخت مبانی و ادله احکام، و زیرساخت‌های تفکر فقهی هر کدام و فقهاء و اندیشمندان صاحب مکتب و سبک هر یک از این مذاهب واقعا کاری سخت و طاقت فرسا است که مسلما از عهده یک فرد برنمی‌آید.

و در قالب یک اثر محدود به چند صفحه مختصر جای نمی‌گیرد. در عین حال، نمی‌توان از گشودن روزنه‌ای هرچند کوچک و آشنا ساختن دانشجویان رشته‌های فقه و اصول و سایر علاقه‌مندان این حوزه با دانش گسترده فقه اسلامی و تحولات مثبت و منفی و فراز و فرودهای کم و بیش ژرف و احیانا ناگهانی و مخرب آن خودداری ورزید. بر پایه همین نگرش است که اندیشمندان توانا و محقق گران‌قدر، ابوالقاسم گرجی با تجربه طولانی در تدریس، با نگارش و تدوین کتاب تاریخ فقه و فقها، تحولات فقه و اصول اسلامی را در دوره‌های رسول خدا(ص) به عنوان عصر تشریح و پایه‌گذاری فقه اسلامی و دوره‌های پس از آن، با نام فقه اهل سنت و فقه شیعه، بررسی کرده است. استاد گرجی کتاب خود را در چهار بخش به شرحی که در پی می‌آید، تقسیم و در هر بخش طی چند فصل - به تناسب موضوع - به بررسی تحولات فقه و شناخت اندیشمندان هر دوره همت گماشته است.

بخش اول. عصر تشریح با چهار عنوان فرعی.

بخش دوم. فقه اهل سنت و معرفی فقهای آن با شش فصل که در هر فصل به بررسی و معرفی تحولات فقه و فقهای اهل سنت می‌پردازد.

بخش سوم. فقه شیعه و معرفی فقها و اندیشمندان شیعه با نه فصل. در هر فصل تحولات فقه شیعه بررسی و فقهای صاحب نام هر دوره معرفی شده‌اند.

بخش چهارم. ادوار علم اصول فقه و دانشمندان این علم.

کتاب تاریخ فقه و فقها را می‌توان نخستین گام مثبت برای شناخت تحولات و تطورات فقه اسلامی در طی قرون و اعصار متمادی ارزیابی کرد. شناخت کامل و دقیق این تحولات و فقها و مجتهدان و صاحبان مکتب و سبک (در فقه و اصول) و آشنایی با کتاب‌های فقهی و اصولی در طی پانزده قرن به همت، تلاش و کوشش اندیشمندان فقه‌شناس نیاز دارد که هر کدام بخشی از آن را و جبهه همت خویش قرار دهند و ناگفته‌های این حوزه را با قلمی شیوا و رسا و در قالب اثری خواندنی با شیوه‌ای علمی- پژوهشی و به‌دور از هرگونه جانبداری و موضع‌گیری خلاف روحیه علمی به سامان رسانند. از ویژگی‌های مثبت اثر حاضر می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

#### الف: نکات مثبت شکلی و محتوایی:

۱. پرهیز از هرگونه جانبداری غیرعلمی و تعصب ناروا و یابی‌ارزش جلوه دادن تلاش‌های

علمی فقهای مسلمان در قرون گذشته و همچنین بهره‌گیری از روحیه اصیل علمی .  
۲. معرفی اجمالی تحولات فقه اسلامی از ابتدای پایه‌گذاری (عصر تشریح، فقه اهل سنت و فقه اهل بیت - ع -) با همه فراز و فرودها در محدوده تاریخ پرماجرا و طولانی اسلام. خواننده می‌تواند با مطالعه این کتاب، تحولات کلی و سیر اجمالی فقه اسلامی را فرا گیرد. کاری که معمولاً از عهده یک اثر بر نمی‌آید. معرفی منابع و مأخذ شرح حال هر یک از فقها و مکاتب فقهی نیز از مزایای این کتاب است.  
۳. نثر روان و بالنسبه خوب اثر که از بسیاری پیچیدگی‌ها و جملات نامفهوم عاری و به‌دور است. عبارات کوتاه و رسا و رعایت نکات ویرایشی و نگارشی بر استواری متن افزوده است.

در عین حال، و به‌رغم همه امتیازات و ویژگی‌های مثبت، و به‌رغم آنکه خلاصه‌ای بس فشرده از فقه و فقهای مسلمان را در خود جای داده، کاستی‌هایی هم در آن راه یافته که برطرف ساختن آن، می‌تواند بر سودمندی اثر هرچه بیشتر بیفزاید، از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### ب : نکات منفی شکلی :

۱. طرح نامطلوب جلد، به‌دور از هرگونه ذوق و مخاطب‌سنجی و به صورت کدر و ترام‌دار انجام شده است. خواننده این‌گونه آثار، عموماً جوانان دانشجوی هستند که باید طراحی جلد و حتی صفحه‌آرایی، مطابق با ذوق و سلیقه آنان انجام شود تا نه تنها خسته‌کننده و ملال‌آور نبوده، بلکه جذاب و پرکشش هم باشد. این نقص در همه آثار سازمان بزرگ «سمت» دیده می‌شود.

۲. فاصله کم سطرها، عبارات درهم فشرده، صفحه‌بندی کاملاً متراکم و پیوسته، موجب خستگی و آزار روح خواننده است. صرفه‌جویی بی‌مورد و بلکه اسراف‌گرایانه، موجب شده مزایای مثبت محتوایی و دیدگاه‌های مؤلف پنهان بماند.

#### نواقص محتوایی:

#### الف. بخش نخست - عصر تشریح

۱. شرح تاریخ و زندگانی رسول اکرم (ص) صفحات ۲۳-۴۰ زائد به نظر می‌رسد؛ زیرا بسی خلاصه و مجمل است و نکات مهم و اسامی هم مورد نظر و توجه نبوده است. دانشجویان رشته‌های الهیات و معارف اسلامی، شرح زندگانی آن حضرت را به صورت

مبسوط در تاریخ تحلیلی اسلام فرا می‌گیرند؛ بنابراین، در کتاب حاضر، که درباره مطالبی اساسی و مهم در خصوص تحولات فقه است، بهتر آن است که به جایگاه و پایگاه تشریحی حضرت و دیدگاه‌های شیعه و سنی در خصوص (جواز و وقوع) اجتهاد و پیغمبر (ص) و نیز سنت حضرت به عنوان منبع دوم فقه و احکام اسلامی و مباحثی از این دست پرداخته شود.

۲. بیان آیات مکی و مدنی، تعداد سوره‌های مکی و مدنی قرآن، تعداد آیات قرآن (ص ۱۶-۱۸)، چندان ضرورتی ندارد، جز اینکه بر حجم مطالب می‌افزاید و جای مطالب مهم‌تر را می‌گیرد.

### ب. بخش دوم - فقه اهل سنت

۱. مؤلف ارجمند در این بخش، تحولات فقه اهل سنت را طی ۶ دوره به بحث می‌گذارد و در هر دوره به بررسی امتیازات، فقها (استادان و شاگردان هر کدام) و کتاب‌های فقهی آن دوره می‌پردازد. به کار بردن امتیازات در خصوص برخی دوره‌ها مثل دوره پنجم فقه اهل سنت که نه تنها تحولاتی مثبت نداشته، بلکه سیر نزولی پیموده، چندان موجه نمی‌نماید؛ زیرا اصولاً واژه امتیاز بار مثبت دارد. به نظر می‌رسد بهره‌گیری از واژه: «ویژگی (ها)» برای بیان مقصود رساتر است.

۲. در بررسی دوره‌های شش‌گانه فقه اهل سنت، بیش از آنکه به بررسی تحولات فقهی و دیدگاه‌های فقهی برجسته و صاحب‌مکتب و مبانی فقهی و اصولی هر یک و نیز منابع عمده فقه اهل سنت پرداخته شود و در این باره آگاهی‌هایی مفید و مؤثر به دانشجویان ارائه شود، بیشتر به عرضه فهرست‌های بلند و کوتاه از فقها، استادان، شاگردان و کتاب‌های هر یک پرداخته شده است و گاه به قدری نام‌های کوتاه و بلند به شکل متوالی آمده که هر خواننده‌ای را از ادامه بحث منصرف می‌سازد. برای نمونه، نک: ص ۶۷-۷۱ فقهای دوره دوم؛ ص ۷۸-۹۱ فقها و کتاب‌های دوره سوم؛ ص ۹۵-۱۰۴ فقهای دوره چهارم و ص ۱۰۶-۱۱۲ فقهای دوره پنجم و ششم).

۳. مؤلف ارجمند در بررسی تحولات فقه اهل سنت در دوره معاصر (آن را نام‌گذاری نکرده و بهتر بود عنوان «بازگشت به اجتهاد» می‌گرفت)، که شاهد بازگشت فقهی اهل سنت به اجتهاد و تلاش آنان برای برداشت سه باب اجتهاد هستیم، مطالب را به اختصار تمام بر گزار نموده است. بررسی و بیان فقه اهل سنت در این دوره جای سخن بسیار دارد.

معرفی چهره‌های سرشناس فقه اهل سنت و تبیین دیدگاه‌های آنان از جمله به رسمیت شناختن فقه شیعه و تدوین «موسوعه» جمال عبدالناصر الفقهیه و نیز دیدگاه‌ها و اقدامات وحدت‌گرایانه برخی از بزرگان الازهرمانند شیخ شلتوت، می‌توانست به غنای بحث بیفزاید و خواننده جوان را با فضای در حال تحول فقه اسلامی آشنا سازد. از دیگر چهره‌ای جدید فقه اهل سنت، که آثاری فراوان منتشر کرده، دکتر یوسف قرضاوی است. بررسی و نقد دیدگاه‌های تحول‌گرای وی مفید خواهد بود.

معرفی مجمع فقه اسلامی جدّه وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی و نیز اقداماتی که در خصوص برخی تحولات اجتماعی و صنعتی روزگار و دستاوردهای علوم تجربی در این مجمع انجام شده، جالب توجه و سودمند است.

بحث از تفکرات خشک و تعصب‌آلود فرقه وهابیت به عنوان فقه سلفی‌گری از دیگر مباحثی است که در این اثر مسکوت مانده است.

### ج. بخش سوم - فقه شیعه

۱. نویسنده ارجمند، تحولات فقه شیعه را از آغاز عصر امامت تاکنون به نه دوره متمایز تقسیم و در هر دوره که آن را با عنوانی ویژه نام گذاری کرده، پس از بیان امتیازات (بلکه: ویژگی‌های) آن دوره، به شمارش نام فقها و ذکر تألیفات عمده فقهی عصر پرداخته و دقیقاً به شیوه بخش دوم (در بررسی فقه اهل سنت) پیش می‌رود.

به نظر می‌رسد، به‌رغم بحث بالنسبه مفصل درباره فقه شیعه و تقسیم آن به دوره‌هایی بیشتر، که قطعاً متأثر از تحول و پویایی آن و عدم سدّ باب اجتهاد در اندیشه فقهی شیعه است، ضروری است که دوره معاصر فقه شیعه که نامی برای آن گزینش نشده، به دوره نهم و دهم تقسیم گردد و هر کدام از این دو دوره نیز نام گذاری شود؛ مثلاً دوره نهم «اجتهاد اصولی» یا «مکتب اصولی شیخ انصاری» و دوره دهم را «عصر امام خمینی» یا «حاکمیت فقه شیعه» نامیده شود. در این روزگار، امام خمینی(ره) توانست با طرح نظریه ولایت فقیه و تأسیس حکومت اسلامی، ضمن حاکم ساختن فقه شیعه، توانمندی و پویایی این فقه را برای حل مشکلات و معضلات زمان در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سازگاری آن با تحولات علمی بشری، در عمل به منصفه ظهور رساند.

مؤلف در صفحات ۲۸۸-۲۹۸ به بررسی گوشه‌ای از دیدگاه‌های امام خمینی(ره) پرداخته است. اما این بحث مختصر نمی‌تواند کافی باشد، زیرا از زمان مرجعیت امام

تاکنون تحولاتی شگرف و اساسی در فقه و اصول شیعه مطرح شده و عناصری چون زمان و مکان در استنباط احکام شرعی مؤثر شناخته شده است؛ لذا، باید با تدوین آثار جداگانه به بررسی کم و کیف آن همت گماشت؛ از این رو، جا دارد در اثر حاضر بخشی مفصل به این موضوع اختصاص گیرد.

۲. در دوره پنجم فقه شیعه (ص ۲۱۷) ویژگی‌ها و امتیازات مطرح نشده است، در حالی که بحث امتیازات در همه دوره‌های فقه اهل سنت و شیعه آمده است.

۳. دوره ششم فقه شیعه که دوره تحول اجتهاد اولین مکتب است و از اواخر قرن ششم تا اوایل قرن یازدهم را دربرمی‌گیرد و مجتهدانی نامدار چون: محقق حلی، علامه حلی و شهید اول و ثانی در آن درخشیده‌اند، بسی طولانی و دراز است. این دوره می‌توانست به دو دوره کاملاً مستقل و مجزا تقسیم شود: مکتب حله و مکتب شام.

۴. بیان زندگانی و شرح حال و آثار برخی فقهای شیعه، برخلاف روند معمول کتاب، آن قدر طولانی است که ضمن گسستن رشته بحث، موجب ملال و خستگی است و نظم حاکم بر سراسر کتاب را برهم می‌زند، مثل:

زندگانی و آثار شیخ صدوق (ص ۱۳۶-۱۳۰)؛ شیخ طوسی (ص ۲۱۷-۱۱۷)؛ سید مرتضی (ص ۱۵۷-۱۴۲)؛ آیه‌الله خویی (ص ۲۹۰-۲۸۶) و شیخ انصاری (ص ۲۷۷-۲۵۸).

۵. بررسی محتوایی برخی کتاب‌های اصول همچون: الذریعه، عده‌الاصول و رسائل شیخ انصاری در بخش فقه موجه نمی‌نماید. این کار بایستی در بخش اصول مطرح می‌شد.

۶. در برخی دوره‌ها، به خصوص، عصر تفسیر و تبیین، آن قدر نام فقیه بدون شرح حال و تحلیل آثار آمده که به خاطر سپردن این همه نام، دشوار بلکه ناممکن است. مخاطب دانشجو با دیدن چنین فهرستی به اضطراب می‌افتد و یادگیری نام‌های عموماً مشابه را برای خود، کاری دشوار می‌بیند (ص ۱۲۴-۱۱۹).

#### د. بخش چهارم - تحولات علم اصول

در این بخش علم اصول فقه از هنگام تأسیس تا روزگار حاضر طی صفحاتی محدود (جمعا ۳۵ صفحه) بحث شده که البته مؤلف ارجمند هم آن را ناکافی می‌داند. هرچند تدوین اثری مستقل در این حوزه و در کنار تحولات فقه بسی ضروری است، در اثر حاضر، اختصاص بخشی جداگانه و بحث اجمالی درباره این علم مهم، نمی‌تواند کارساز باشد.

اصولاً طی مباحث قبل از این بخش و به هنگام بررسی دیدگاه‌های فقه‌های اصولی به ذکر کتاب‌های اصولی و حتی بیان گوشه‌هایی از دیدگاه‌های اصولی آنان پرداخته شده است. چنان‌که اندکی قبل یادآور شدیم، کتاب‌های زیر به هنگام بحث از دیدگاه‌های فقهی صاحبان آثار به بحث کشیده شده است: الذریعه سید مرتضی، عدّه‌الاصول شیخ طوسی و رسائل شیخ انصاری.

در هر حال، برطرف ساختن نقاط ضعف شکلی و محتوایی مذکور می‌تواند کتاب تاریخ فقه و فقها را از مفیدترین آثار در این حوزه سازد.

